

## مورمونها

### درس ۳

#### کلیسای عیسی مسیح قدیسان آخرالزمان

#### رهبران یا پیامبران خدا؟

مورمونها میگویند که خدا پیامبرانش را برگزید تا از طریق آنها شریعت، مراسم و پیامش را به مردم آشکار سازد. از زمان آدم تا کنون پیامبرانی بر این کره خاکی آمدند که بر عیسی مسیح شهادت دادند و ماموریت داشتند تا کلیسا را به سمت عدالت و نیکوکاری هدایت نمایند. آنها معتقدند که انتشار و حاکمیت گناه در دنیا باعث شد که عهدهایی که خدا بتوسط انبیا با انسان بسته بود ناپدید و مفقود شود. در نتیجه آدمی از در ظلمت روحانی بدون مکاشفه ای جانب خدا سرگردان شد.

عیسی مسیح به جهان آمد تا پیام انجیل را برای نجات ابدی احیا نماید اما خوب میدانست که زمانی خواهد رسید که ظلمت همه جا را فرا خواهد گرفت و نور پیام انجیل خاموش خواهد شد، کهانت نیز از انسان گرفته خواهد شد و کلیسا نیز به بیابان منحرف خواهد گردید.

اما آقای جوزف اسمیت در زمان معین آمد تا آنچه را مفقود شده احیا کند.

مورمونها او را پیامبر خطاب میکنند چون مطابق با سنت عهدعتیق و عهدجدید او در آموزه هایش نه به خود بلکه به مکاشفه الهی متکی بود. آنها همچنین کتاب مروارید گرانبها را علاوه بر کتابمقدس کلام خدا میدانند. آقای جوزف اسمیت در جوانی متنی را که متعلق به آمریکائیان دوره باستان بود ترجمه کرد و آنرا کتاب مورمون نامید. به عقیده آنان این مکاشفات پیام حقیقی انجیل را احیا نمود. نقش جوزف اسمیت در تاریخ آماده نمودن کلیسا برای بازگشت ثانوی مسیح میباشد. مجله رسمی مورمونها تحت عنوان The Ensign در رابطه با نقش اصلی جوزف اسمیت چنین میگوید.

جوزف اسمیت مانند آدم، خنوخ، نوح، ابراهیم، موسی و سایرین رهبر مذهبی یک دوره خاص بود که از کانال او حکمت و قدرت خدا به زنان و مردان زمینی ظاهر گردید. او وسیله ای بود که پیام نجاتبخش انجیل و قدرت تبدیل کننده خدا احیا شد همچنین عهدها و مراسم مذهبی نیز به مردم برگردانده شد. او شاهد و نبی برجسته عیسی مسیح است.

آقای Bruce McConkie که یکی از رسولان مورمونها میباشد در رابطه با مقام جوزف اسمیت در نقش یک پیامبر در کتابی تحت عنوان "این نسل کلام مرا از طریق تو دریافت خواهند کرد" مینویسد.

پیامبران شاهدین مسیح میباشند، در هر دوره رهبران مذهبی مسیح را مکشوف کردند. رسولان هر دوره نیز به مسیح شهادت دادند. و هر رسول یا نبی دیگری هم بعد از این بیاید منعکس کننده پیام رهبران مذهبی دوران پیشین خواهد بود. بنابراین جوزف اسمیت نیز نبی، پیشگو و مکشوف کننده خدا در دوره خود بود. او کهانت ملکیمصدق و هارون را احیا کرد و بتوسط جانشینانش کارش را ادامه داد که از این طریق احکام خدا به کلیسا داده شد.

پس از مرگ جوزف اسمیت آقای Brigham Youn جانشین او شد و ریاست دوازده رسول مورمونها را

عهده دار گردید. رسول ارشد همیشه بعنوان ریاست کلیسا انتخاب میشود و از طریق این سیستم رسالت، خداوند تدارکات ملکوت خود را بر زمین میبیند. پس کلیسا مورمونها دارای یک نبی، پیشگو و مکشوف کننده میباشد که در کلیسا سخنگوی خدا هستند.

بدیهیست که یا آنچه در مورد جوزف اسمیت گفته شد حقیقت دارد و او حقیقتاً از برگزیده و نبی خداست و یا اینکه او یک کلاهبردار بزرگ میباشد.

در کتاب "آموزه های نجات" مورمونها میخوانیم:

اگر جوزف اسمیت یک فریب دهنده میبود، یعنی عمداً مردم را به انحراف میکشاند، باید افشا میشد. ادعاهایش تکذیب میشد و آموزه های غلطش برملا میگردد، چون تعالیم یک شیاد هرگز نباید با حقایق الهی آمیخته گردد. اگر ادعاها و اظهاراتش کذب باشند پس در بررسی و مطابقت آنها با کلام خدا باید خطاها و تناقضات زیادی از آنها بدست آید.

بنابراین ما در این بخش دلیلی را که مورمونها از کلام خدا میآورند تا نبوتهای آقای جوزف اسمیت را ثابت کنند مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

### بررسی از کلام خدا

#### خدا نقشه اش را برای پیامبرانش مکشوف میکند – عاموس ۷:۳

عاموس ۷:۳ خداوند قادر متعال، پیش از آنکه بندگان خود، انبیا را از اراده خود آگاه سازد، کاری نمی کند.

**آموزه مورمونها:** مورمونها میگویند که این آیه نشان میدهد که ما امروزه به یک نبی احتیاج داریم. اگر نبی ای نباشد کسی نخواهد بود که مقام کهنات را عهده دار شود، اراده خدا به کلیسا مکشوف نخواهد شد و دنیا در تاریکی روحانی فرو خواهد رفت. آنها معتقدند که حکمت انسانی هرگز به درک حقیقت الهی نخواهد رسید. انسان برای نجات باید فقط از خدا که منشاء آن است دریافت کند. مورمونها مدعی هستند که در این روزها فقط یک نفر است که از خدا مکاشفه دریافت میکند تا کلیسا را هدایت کند. آقای Bruce McConkie با استناد به عاموس ۷:۳ میگوید:

هر مکاشفه جدید از طریق ریاست کلیسا، که سخنگوی خدا بر زمین میباشد، به مردم اعلام خواهد شد. ریاست کلیسا بعنوان سخنگوی خدا بر زمین است.

**آموزه کتابمقدس:** نمیتوان از عاموس ۳ این نتیجه را گرفت که خدا همیشه پیامبری بر زمین خواهد داشت که بدون او کلیسا در تاریکی روحانی فرو خواهد رفت. چنین تفسیری کاملاً غلط میباشد.

موضوع عاموس باب ۳ از این قرار است که قرار بود خدا قومش را بخاطر ناطاعتی تنبیح کند. بهمین علت خدا از طریق عاموس پیامش را اینگونه آغاز میکند:

عاموس ۱:۳ این کلام را بشنوید که خداوند آن را به ضد شما ای بنی اسرائیل و به ضد تمامی خاندانی که از زمین مصر بیرون آوردم، تنطق نموده و گفته است:

ادامه این آیه پیام توبیخی خدا به اسرائیل میباشد. بنابراین در عاموس ۷:۳ خدا به سادگی به این قوم

میگوید او آنها را قبلاً هشدار داده بود که اگر اطاعت نکنند تنبیح خواهند شد. اما مردم سخنان انبیا را نادیده گرفتند. در عاموس ۱۲:۲ میخوانیم که مردم از انبیا خواستند که نبوت نکنند چون آنها از پیامی که میشنیدند راضی نبودند.

آقای Donald R. Sunukjian مفسر کتابمقدس در رابطه با عاموس ۷:۳ چنین میگوید:

همانطور که یک واقعه تا مقدمات آن صورت نگیرد به انجام نمیرسد، خدائیکه بر همه چیز حاکم است اول از انجام وقایع تاریخی اراده و نقشه اش را برای انبیايش مکشوف میسازد. اما بمحض اینکه مکاشفه الهی صادر شد - یا عبارتی بمحض اینکه شیر غرید و حمله را آغاز کرد - (یعنی وقتی خداوند حرف آخرش را آشکار کرد)، باید بدانیم که داوری خدا فرا رسیده است.

هوشع ۱۴:۵-۱۵ مانند شیری که شکار خود را می درد، من افرایم و یهودا را می درم و با خود می برم و هیچ کسی نمی تواند آنها را از چنگ من برهاند. «سپس آنها را ترک خواهم کرد و به خانه خود برمی گردم تا آنها به گناهان خود آگاه گردند و طالب روی من شوند و از من درخواست کمک نمایند.»

هوشع ۱۰:۱۱ «آنها از من که خداوند هستم، پیروی می کنند و من مانند شیر بر دشمنان می غرم و چون غرش کنم، فرزندان او لرزان و شتابان از غرب باز می گردند.

هوشع ۷:۱۳ پس من مثل شیری بر شما هجوم می آورم و مانند پلنگی بر سر راهتان در کمین می نشینم.

وقتی به تاریخ قوم اسرائیل نگاه میکنیم در می یابیم که خدا معمولاً وقتی که میخواهد کار بزرگی را انجام دهد انبیايش را از آن امر باخبر میکرد. این درست وضعیتی است که در هوشع ۷:۳ با آن در ارتباط هستیم. خدا نبی خود را از داوری ای که در راه است باخبر میسازد.

پس با توجه به مفهوم درست هوشع ۷:۳ میبینیم که سوء استفاده مورمونها از آن بخاطر اینکه آموزه خود را مبنی بر اینکه دنیا اکنون به یک نبی نیاز دارد کاریست بس اشتباه و غلط است.

نکته قابل توجه دیگر این است که در زمان عهدعتیق سخنان انبیا ميبيايست صد در صد صحیح باشد در غیر این صورت آنها سنگسار میشدند.

تثنیه ۱۰:۱-۱۰:۱۳ «اگر در بین شما انبیا و یا تعبیرکنندگان خواب وجود داشته باشند که به شما وعده معجزه ای بدهند و آن معجزه هم تحقق یابد، اگر آن وقت بگویند: 'بیایید که خدایان مردم دیگر را که شما هرگز نپرستیده اید، پرستش کنیم،' به حرفهای ایشان توجه نکنید. خداوند خدایان از ایشان استفاده می کند تا شما را آزمایش کند و ببیند که شما خداوند را با تمام دل و جان دوست دارید. شما باید تنها از خداوند خدایان پیروی کنید، فقط از او بترسید، احکام او را بجا آورید، او را بپرستید و به او وفادار باشید. آن انبیا و تعبیرکنندگان خواب که می گویند علیه خداوند، خدای که شما را از بردگی در مصر نجات داد، سرکشی کنید، باید کشته شوند. چنین اشخاصی شرور هستند و ایشان، شما را از راهی که خداوند فرمان داده است، دور می کنند. آنها باید کشته شوند تا از این فتنه رهایی یابید. «اگر کسی حتی برادر، پسر، دختر، زن یا صمیمی ترین دوستتان، در خفا شما را تشویق کند و بگوید که بیایید خدایان دیگر را که هم برای شما و هم برای اجدادتان بیگانه هستند، پرستیم یا یکی از آنها شما را تشویق نماید که خدایان مردمی را که در نزدیکی شما زندگی می کنند یا

خدایان اقوام سرزمینهای دوردست را بپرستید، شما نباید قبول کنید و به حرف او گوش بدهید. به او رحم و شفقت نشان ندهید و از او محافظت نکنید. او را بکشید و دست خودتان، اولین دستی باشد که او را سنگسار کند و بعد دستهای تمام قوم. او را سنگسار کنید زیرا او می خواهد شما را از خداوند خدایتان که شما را از بردگی در مصر نجات داد، دور کند.

پس بیایید با سوالات زیر مورمونها را به چالش بکشانید.

- آیا میدانید که آقای جوزف اسمیت در کتاب "تاریخ کلیسا" بنام خداوند نبوت کرده بود که دولت آمریکا در دهه ۱۸۰۰ میلادی سقوط خواهد کرد؟
- آیا میدانید که او در کتاب "تعالیم و عهدها" پیشگویی کرده بود که اورشلیم جدید در زمان حیاتش در ایالت میزوری ساخته خواهد شد؟
- آیا میدانید که آقای Brigham Young در کتابی تحت عنوان "Journal of Discourses" پیشگویی کرده بود که جنگهای داخلی آمریکا قادر نخواهند بود که به برده داری سیاهپوستان خاتمه دهد؟
- آیا میدانید که آقای Brigham Young در همان ژورنالها (چاپ ۲۴ جولای ۱۸۷۰) گفته بود که ماه و خورشید هر دو دارای ساکنین میباشند.

همانطور که شاهد هستید در تمام موارد فوق پیشگوییهای انبیای مورمونها با ذکر منابع موثق کاملاً غلط بودند و این مسئله ثابت میکند که آنها انبیای کاذب میباشند.

علاوه بر موارد فوق یکی دیگر از به اصطلاح انبیای دیگر مورمونها به نام آقای Marck Hofmann در سال ۱۹۸۰ یک نسخه خطی جعلی را ارائه داد تا ارتباط آقای جوزف اسمیت را با گروه های اسرار آمیز مرتبط سازد. پس از آن او دو نفر بیگناه را که در خرید اسناد جعلی دست داشتند به قتل رساند و از سال ۱۹۸۸ به حبس ابد محکوم شد.

حال سوالی که باید از مورمونها پرسید این است که: بکشانید.

- چرا خدا در دهه ۱۹۸۰ به انبیای مورمونها آشکار نکرد که اسناد آقای Mark Hofmann جعلی میباشند؟
- کلیسای مورمونها نه تنها برای این اسناد جعلی صدها هزار دلار پول پرداخت کرد بلکه حقانیت آنها را به مردم اعلام کرد.
- چرا خدا به انبیای مورمون از قبل اطلاع نداد که آقای هافمن قصد قتل دو نفر از پیروانشان را که یکی از آنها یک اسقف مورمون بود که اسناد جعلی برای کلیسای مورمون خریداری کرد؟

در رابطه با انبیای مورمونها مورد دیگری هم هست که بجاست به آن اشاره کنیم.

- مسئله این است که وقتی یکی از به اصطلاح انبیای مورمون از کار افتاده میشود (مثلاً مورد آقای Ezra Taft Benson) چطور امکان دارد که در حین ناتوانی او

اسرار خدا را به مردم بازگو کند، دیگر چه رسد به تصمیم گیریهای روزانه برای چنین کلیسای بزرگی که در سراسر دنیا شعبات دارد؟  
- چنین شخص ناتوان و بی صلاحیتی چگونه میتواند سخنگوی خدا بر زمین باشد؟

عاموس ۷:۳ و بسیاری از آیات مشابه عهدعتیق بوضوح روشن میسازند که همیشه نقش پیامبران خدا هشدار مردم به داوری قریب الوقوع او پیش از واقع شدن بوده است. امروزه ما کتاب مقدس را برای چنین هشدارهایی در دست داریم. دیگر نیازی به پیامبران نیست. در ۲ تیموتاوس ۱۵:۳-۱۷ میخوانیم.

دوم تیموتاوس ۱۷:۳-۱۵ و اینکه از طفولیت کتب مقدسه را دانسته ای که می تواند تو را حکمت آموزد برای نجات بوسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. تمامی کتب از الهام خداست و بجهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و بجهت هر عمل نیکو آراسته بشود.

در زمان عاموس کتابمقدس در دسترس مردم نبود. اما امروز شرایط کاملاً متفاوت است چون ما کلام مکتوب خدا را که امین و کامل میباشد در دست داریم و این تنها چیزیست که بدان نیاز داریم.

### پیامبر برگزیده خدا - اول قرن تیان ۲۸:۱۲

اول قرن تیان ۲۸:۱۲ مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را به شرح زیر قرار داده است: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه کنندگان و شفادهندگان و مددکاران و مدیران و آنانی که به زبانهای مختلف سخن می گویند.

**آموزه مورمونها:** مورمونها میگویند که عیسی مسیح کلیسای اولیه را در زمان معین تاسیس کرد. او نمایندگانی را تعیین کرد تا امور پدر آسمانی را به انجام رسانند. اما کلیسا با قدرت کهانت و تشکیلات سازمانی که اختیارات الهی به او داده شده بود در یک ارتداد بزرگ از بین رفت. امروزه تنها نشان یک کلیسای واقعی این است که همان تشکیلات سازمانی اعم از انبیا را دارا باشد.

آقای Bruce McConkie با اشاره به اول قرن تیان ۲۸:۱۲ اعلام میدارد که:

کلیسایی که در آن رسول یا نبی ای نیست از طرف خدا نمیباشد. اما اگر این اشخاص در کلیسای یافت شوند آن کلیسا متعلق به عیسی مسیح است که جلال، جمال و کمال از آن اوست تا ابد. از آنجائیکه کلیسای مورمونها دارای تمام این مشخصات میباشد بنابراین میتوان مطمئن بود که تنها کلیسای حقیقی در دنیا میباشد.

**تعلیم کتابمقدس:** درست است که خدا به کلیسایش رسولان، انبیا، معلمین، خادمینی که عطایای معجزات، مدیریت و تکلم به زبانها را بخشیده است اما دو تا از این عطایا یعنی رسولان و انبیا نقش زیربنایی داشته اند و اکنون به آنها نیازی نیست.

وقتی به کلام خدا مراجعه میکنیم بعنوان مثال افسسیان ۲:۲۰ بما میگوید که:

افسسیان ۲:۲۰ بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است.

همه میدانیم بنیاد و شالوده بخش زیربنایی ساختمان میباشد. در بنای کلیسا نیز خدا ابتدا رسولان و انبیا را

برای شالوده آن در نظر گرفت. بنابراین ما دیگر نیازی به ساختن بنیادی دیگر نیستیم.

بنابراین امروز نیازی به رسولان و انبیا برای اعلام مکاشفه خدا نیست. از آنجائیکه آنها بنیاد را بنا نهادن ما موظفیم ادامه ساختمان کلیسا را بر آن بسازیم. بنابراین از مورمونها پرسید:

– به نظر شما افسسیان ۲:۲۰ که میگوید کلیسا بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده چه مفهومی دارد؟  
– آیا به نظر شما حال که بنیاد کلیسا توسط رسولان و انبیا بنا شده امروزه ما باز هم باید به بنای بنیاد مشغول باشیم؟

با توجه به موارد گفته شده بیائید متمرکز نقش بنیادی رسولان شویم. مطابق با کلام خدا رسولان میدانستند که خدا از طریق آنها مکاشفه الهی اش را آشکار میکند (اول قرن‌تیا ۱۲:۱۳، اول تسالونیکیان ۲:۱۳، اول یوحنا ۱:۱-۳). آنها از اختیار الهی خود نیز آگاه بودند (اول قرن‌تیا ۷:۱۰ و ۱۱:۲۳). عیسی مسیح یا روح القدس آنها را برای رسالت برگزید (متی ۱۰:۱-۲ و اعمال ۱:۲۶).

قبلاً اشاره کردیم که خانواده الهی بر بنیاد رسولان بنا شده است (افسسیان ۲:۲۰). یکی از نشان رسولان این بود که شاهد عینی عیسی مسیح قیام کرده باشند یعنی باید عیسی مسیح را پس از قیامش به چشم دیده باشند. وقتی پولس میخواست از رسالتش دفاع کند در اول قرن‌تیا ۹:۱ او میگوید:

اول قرن‌تیا ۹:۱ آیا رسول نیستم؟ آیا آزاد نیستم؟ آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدم؟

او در اول قرن‌تیا ۷:۱۵-۸ میگوید که عیسی مسیح بر یعقوب و سپس بر سایر رسولان ظاهر شد و در آخر بر خودش (پولس) ظاهر شد. بدیهی است که امروزه هیچ کس نمیتواند چنین ادعایی داشته باشد که عیسی مسیح قیام کرده را ملاقات کرده است بنابراین رسولان در شرایط کنونی وجود خارجی ندارند. پولس آخرین آنان بود.

علاوه بر این، بخاطر اینکه بتوانیم رسولان واقعی را از جعلی تشخیص دهیم خدا نشانه های دیگری نیز به آنها عطا فرمود.

برای مثال در عهدجدید میخوانیم که رسولان واقعی همه دارای عطای معجزات بودند. پولس رسول در دوم قرن‌تیا ۱۲:۱۲ میگوید:

دوم قرن‌تیا ۱۲:۱۲ بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوآت پدید گشت.

پطرس رسول در اعمال ۹:۳۶-۴۲ مرده ای را زنده میکند. پولس نیز در اعمال ۲۰:۶-۱۲ مرده ای را زنده میکند. سوال اینجاست که آیا کسانی که امروز ادعای رسالات میکنند قادر به چنین معجزاتی میباشند؟ آیا رسولان مورمون معجزاتی را که پطرس و پولس میکردند میتوانند انجام دهند؟ نکته دیگر آنکه کلام خدا در کتاب مکاشفه یوحنا به بی نظیر بودن رسولان اشاره میکند بطوریکه میگوید نام هر کدام بر روی بنیاد، ستون و یا سنگهایی که دیوارهای شهر اورشلیم جدید بر آن بنا شده نوشته شده است.

مکاشفه ۲۱:۱۴ دیوار شهر بر دوازده سنگ بنا شده بود و بر آن سنگها، نامهای دوازده رسول بره

بینظیر بودن رسولان هنگامی آشکارتر میشود که میبینیم یکی از اساسی ترین معیارها برای تعیین کتب عهدجدید این بود که کتب باید یا بتوسط یکی از رسولان نوشته شده باشد یا تأیید آنها را داشته باشد.

افسسیان ۲:۲۰ شما بر شالوده ای که به دست رسولان و انبیا نهاده شد، بنا شده اید و عیسی مسیح سنگ اصلی آن است.

عبرانیان ۱:۱ خدا که در زمان سلف به اقسام متعدّد و طریق های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود،

عبرانیان ۳:۲-۴ پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوآت و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود.

بنابراین با توجه به اینکه کتاب مورمونها توسط رسولان نوشته نشده و حتی تأیید آنها را ندارد میتوان نتیجه گرفت که این کتاب از الهام خدا سرچشمه نگرفته و اصلاً هم ارزش با کلام خدا نمیباشد.

دوم قرنیتان ۱۱:۱۳-۱۴ زیرا که چنین اشخاص رسولان کذب و عمله مکار هستند که خویشتن را به رسولان مسیح مشابه می سازند. و عجب نیست، چونکه خود شیطان هم خویشتن را به فرشته نور مشابه می سازد.

بنابراین از مورمونها باید پرسید:

– آیا میدانی که مطابق با کلام خدا (اول قرنیتان ۹:۱ و ۱۵:۷-۸) یکی از مشخصه های یک رسول این بود که باید عیسی مسیح را پس از قیام دیده باشد. یعنی شاهد عینی عیسی مسیح قیام کرده باشد؟

– از آنجائیکه امروزه کسی را نمی یابیم که بتواند صادقانه ادعا کند که عیسی مسیح را پس از قیام ملاقات کرده پس میتوانیم نتیجه بگیریم که امروز رسولی در بین ما نمیباشد. (البته ممکن است آنها بگویند که جوزف اسمیت عیسی مسیح را در رویا دیده است اما اشکال ندارد باز ادامه دهید...)

– آیا میدانید که پیام رسولان با آیات و معجزات ثابت میشود؟ (اعمال ۳:۳-۱۱، ۱۵:۵-۱۶، ۹:۳۶-۴۲، ۲۰:۶-۱۲)

– آیا به نظر شما مطابق با دوم قرنیتان ۱۲:۱۲ یکی از نشانه های یک رسول انجام آیات و معجزات نیست؟

– آیا رسولان مورمون قادر به انجام آیات و معجزاتی که رسولان مسیح میکردند هستند؟

– آیا میدانستی که اسامی رسولان بر پایه های دیوارهای شهر اورشلیم جدید نوشته شده (مکاشفه ۱۴:۲۱)؟

– چرا سخنی از نام رسولان مورمون بر این ستونها نیست؟

– با توجه به ویژگیهایی که کلام خدا بوضوح از رسولان مسیح به ما میدهد چطور به خود اجازه دهید که ادعا کنید در کلیسای مورمون رسولانی هم تراز با رسولان مسیح وجود دارد؟

رسالهٔ یهودا ۳ بما میگوید که ایمان به عیسی مسیح از طریق رسولان یکبار بما سپرده شد.

یهودا ۳ ای حبیان، چون شوق تمام داشتم که درباره نجات عام به شما بنویسم، ناچار شدم که الآن به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد.

با مراجعه به متن اصلی یونانی این آیه میفهمیم که ایمانی که در اینجا از آن صحبت شده مجموعه ای از موعظه، تعالیم و رسالات بینظیر رسولان مسیح میباشد که یکبار برای همیشه بما سپرده شد (اعمال ۶:۷، غلاطیان ۲۳:۱، اول تیموتاوس ۱:۴). نکتهٔ جالب دیگر آنکه خدا همین ایمان بینظیر را بتوسط کلام ثبت شده اش بما یکبار برای همیشه سپرده است.

با توجه به این حقیقت میتوان نتیجه گرفت که دیگر نیازی نیست که ایمان یا کلام دیگری مثل کتاب مورمونها بما سپرده شود. از مورمونها بپرسید که:

– ممکن است که لطفا یهودا ۳ را بلند بخوانید؟

– بنظر شما ایمانی که اینجا از آن سخن میگوید چیست؟

– آیا میدانی که با مراجعه به فرهنگ لغات و دستور زبان اصلی یونانی میفهمیم که ایمانی اینجا از آن سخن میگوید تعالیم رسولان است و از لحاظ زمانی مشخص میکند که این آموزه ها هم شفاهاً و هم کتباً (عهدجدید) یکبار برای همیشه بما سپرده شده است؟

حال فرض کنیم که کسی ادعا کند که خدا هنوز به ما مکاشفاتی میدهد (که البته این فقط میتواند در حد یک فرض محال باشد چون مکاشفه خدا یکبار برای همیشه بما داده شد و ادامه ای در کار نیست) آنچه باید بدانیم این است که حتی اگر بر فرض مکاشفه ای هم امروزه وجود میداشت میبایست مطابق با مکاشفات قبلی یعنی با کلام خدا مطابقت داشته باشد چون منشاء مکاشفات همه یکنفر آن هم روح القدس میباشد.

بخاطر داشته باشید که پولس رسول در غلاطیان ۸:۱ در این رابطه چنین چه میگوید:

غلاطیان ۸:۱ – ۹ اگر کسی بخواهد راه دیگری برای رستگاری به شما معرفی کند، بغیر از آن راهی که ما به شما اعلام کردیم، خدا او را لعنت کند، حتی اگر این شخص خود من باشم. اگر فرشته ای نیز از آسمان فرود آید و شما را بسوی راه دیگری هدایت کند، لعنت خدا بر او باد! باز تکرار می کنم: اگر کسی مژده نجات دیگری، غیر از آنچه که پذیرفته اید، به شما ارائه دهد، لعنت خدا بر او باد!

در این آیه پولس هشدار میدهد که مواظب مدعیونی که پیامهای تازه میآورند باشید. هر تعلیم یا سخنی باید

با کلام خدا مقایسه و مطابقت داده شود. پولس ایمانداران شهر بیریه را بخاطر اینکار تحسین میکند.

اعمال ۱۱:۱۷ ولی اهالی بیریه از مردم تسالونیکي نجیب تر بودند و با اشتیاق به پیغام آنان گوش می دادند و هر روز کتاب آسمانی را با دقت می خواندند تا ببینند گفته های پولس و سیلاس مطابق کلام خدا هست یا نه .

اهالی بیریه نمونه خوبی در این رابطه برای ما هستند. پولس به ایمانداران تسالونیکي هشدار میدهد که نبوتها (پیام و آموزه های کلام خدا) را با تحقیق و آزمایش ارزیابی کنند و بعد به آن متمسک شوند.

اول تسالونیکیان ۵:۲۰ - ۲۱ نبوتها را خوار بشمارید. همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسک باشید.

پولس در دوم تیموتائوس ۱۶:۳ تاکید میکند که تمامی کتب کلام خدا از الهام روح القدس میباشد. از آنجائیکه مکاشفات و نبوتهای رسولان و انبیای مورمونها با کلام خدا مطابقت نمیکند پس نتیجه میگیریم که آنها کتابمقدسی نیستند. بنابراین رسولان و انبیای آنها نیز کاذب میباشند و نباید به آنها اقتدا کرد. از مورمونها پرسید:

- کجای کلام خدا میگوید که سیستم کلیسای اولیه مثل کلیسای مورمونها دارای یک رئیس کل، پدران و کاهن اعظم داشت؟
- چطور میتوانید ادعا کنید که کلیسای مورمونها در حال احیای سیستم کلیسایی است در حالی که نمونه این سیستم را در کلام خدا دیده نمیشود؟
- آیا این آموزه مورمونها درست است انبیا را برتر از رسولان را میدانند؟
- آیا در اول قرنهای ۱۲:۲۸ الگوی خدمتی این نبوده که اول رسولان بعد انبیا باشند؟

#### انبیای خدا در خدمت کلیسا میباشند - افسسیان ۴:۱۱-۱۲

افسسیان ۴:۱۱-۱۲ و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح (ترجمه قدیمی)

ترجمه تفسیری - به این ترتیب ، او عطایا و استعداد های خاصی به ما بخشید: به بعضی از ما، عطای خاص یک رسول را داده است ؛ به عده ای این عطا را داده است که از خدا پیغام دریافت کنند و آن را به دیگران اعلان نمایند، به برخی استعداد فوق العاده داده است که مردم را بسوی خدا هدایت کنند و به برخی دیگر این توانایی را داده است که مانند یک شبان ، از قوم خدا مراقبت کنند و ایشان را رهبری نمایند و تعلیم دهند. مسیح این عطایا را با این هدف به ما می بخشد که ایمانداران مجهز شوند تا بتوانند بهتر او را خدمت کنند و باعث پیشرفت کلیسا یعنی بدن او گردند و کلیسا به رشد و کمال لازم برسد؛

**آموزه مورمونها:** آقای Bruce mcConkie در کتاب "آموزه مورمونها" میگوید: اساساً تشکیلات کلیسایی در تمام اعصار یکجور بوده است. همان تشکیلاتی که در کلیسای اولیه برقرار بود امروز هم پابرجاست. آقای McConkie ادامه میدهد که منصب رسالت و نبوت تا زمانیکه در جای خود تا همه به یگانگی ایمان و

معرفتِ تامِ پسر خدا و به انسانِ کامل، به اندازه قامتِ پُریِ مسیح برسیم باقی میماند (افسیان ۴: ۱۳).

**آموزه کتاب مقدس:** کسی که بخواهد منصب رسالت را داشته باشد باید مطابق با کلام خدا (اعمال ۱: ۲۱-۲۲) شرایط و ویژگیهای یک رسول عهد جدید را داشته باشد. بنابراین همانطور که قبلاً اشاره کردیم هیچکس قادر نخواهد بود که بر در زمان حاضر بر این کرهٔ خاکی ادعا کند که صلاحیت منصب یک رسول را دارد.

علاوه بر این باز تکرار میکنیم که چون در زمان رسولان یکبار برای همیشه شالودهٔ کار ریخته شده تا کلیسا بر آن بنا شود دیگری نیازی نیست که به بنای شالودهٔ دیگری اقدام کنیم. فراموش نکنید که کلام خدا میگوید بر مبنای تعلیم رسولان در حین توبه و نجات خداوند روح القدس را بما میبخشد که ما را به جهت راستی هدایت کند در صورتیکه مورمونها مدعی هستند که کلیسا بدون داشتن یک نبی در تاریکی دنیا خواهد ماند. این آموزه نمیتواند حقیقت داشته باشد چون روح القدس معلم و هدایت کنندهٔ ماست. عیسی مسیح فرمود:

یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵ ولیکن چون او یعنی روحِ راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آن چه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه از آن من است می گیرد و به شما خبر خواهد داد. «بعد از اندکی مرا نخواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید زیرا که نزد پدر می روم.»

بنابراین ما امروزه نیازی به نبی نداریم که ما را به جمیع راستی هدایت کند چون روح القدس را داریم که با تعلیم و تنویر افکار بطور شخصی در ما کار میکند.

اول یوحنا ۲: ۲۷ اما می دانم که روح خدا در شماست و به همین جهت نیازی ندارید کسی به شما بیاموزد که چه بکنید، زیرا روح خدا همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ هر چه او می گوید حقیقت محض است و دروغ در آن یافت نمی شود. پس، همانگونه که به شما تعلیم داده است، همیشه در مسیح بمانید و هرگز از او دور نشوید. (تفسیری)

پس از مورمونها پرسید که:

- لطفا یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵ را بلند بخوانید.
- حال لطفا اول یوحنا ۲: ۲۷ را بلند بخوانید.
- بر مبنای این آیات نام یکی از خدماتی که روح القدس در ما انجام میدهد را بگوئید.
- حال با داشتن معلمی چون روح القدس چطور ممکن است که بگوئید که کلیسا بدون داشتن نبی به تاریکی، انحراف یا بدینی کشیده میشود؟
- آیا منظور شما این است که روح القدس قادر نیست که اعضا را از انحرافات حفظ کند.

## یک نکته کلیدی: آنچه امروز حقیقت دارد ممکن است فردا حقیقت نداشته باشد

آنچه که امروز حقیقت محسوب میشود بسته به رهبر کلیسای مورمونها بعنوان نبی، پیشگو و مکشوف کننده دارد چون فردا برای رهبری دیگر آن حقیقت نداشته باشد. آقای جوزف اسمیت رهبر مورمونها الهیات و تعلیم خود را در دوران زندگی اش تغییر داد.

بعنوان مثال در کتاب مورمونها تعلیمش ابتدا در مورد خدای یکتا آغاز شد اما بعد در کتاب تعلیم و عهدها به خدایان تبدیل شد. او در کتاب خطابه های ایمان ابتدا خدا را یک روح دانست و سپس در کتاب تعلیم و عهدها ۲۲:۱۳۰ اعلام کرد که خدا دارای جسم و استخوان است و سپس ادامه داد که ما انسانها نیز میتوانیم روزی تبدیل به خدایان شویم.

او در کتاب مورمون ابتدا چند همسری را محکوم میکند اما بعد در کتاب تعلیم و عهدها آنها پذیرفته و بگونه ای توجیح میکنند. از آنها پرسید:

– چرا آقای جوزف اسمیت که رهبر مورمونها میباشد ابتدا در کتاب مورمونها خدا را یکتا میداند اما بعدها در کتاب تعلیم و عهدها و همچنین کتاب ابراهیم آنها را به خدایان عوض میکند؟  
– چرا او در کتاب خطابه های ایمان ابتدا خدا را یک روح دانست و سپس در کتاب تعلیم و عهدها ۲۲:۱۳۰ اعلام کرد که خدا دارای جسم و استخوان است؟  
– چرا او ابتدا در کتاب مورمونها داشتن همسران و کنیزان داود و سلیمان را محکوم میکند اما بعد در کتاب تعلیم و عهدها آنها میپذیرد و بگونه ای توجیح میکند؟

زمانی آقای Brigham Young آموزه ای را تحت عنوان آدم – خدا تعلیم میداد (یعنی آدم همان خدای پدر است)، اما بعدها جانشینانش آنها تکذیب کردند و دیگر سخنی از این تعلیم بمیان نیامد. هر وقت که به آن اشاره میشود یا آنها انکار میکنند و یا اینکه میگویند یک فرضیه بود یا در نهایت اینکه او اشتباه کرده است. خود آقای Brigham Young در رابطه با موعظه هایش چنین میگوید:

(۱) تمام موعظه های من از کلام خداست

(۲) موعظه هایم تماماً تأیید خدا را به همراه دارد

سوالی که باید از مورمونها پرسید این است که:

– آیا میدانستید که آقای Brigham Young مکرراً و رسماً از پای منبر اعلام کرد که آدم همان خدای پدر میباشد؟  
– آیا میدانستید که او اعلام کرد که موعظه هایش هم ردیف کلام خداست؟  
– آیا میدانید که در تثنیه ۱۳:۵-۵ آمده که اگر نبی مردم را به خدایان دروغین هدایت کند باید کشته شود؟

با توجه به مطالب فوق انبیای رهبر کلیسای مورمونها از مردم انتظار دارند که به آنها احترام بگذارند. هر عضوی که تعالیم یا نقشه‌هایی را که توسط رهبران، رسولان یا انبیای کلیسای مورمون تصویب شده، رد و یا زیر سوال ببرد تخم شرک و شیطان را دارد میپاشد. شیطان از اینکه انسان بر علیه رهبران کلیسا سخن گویند و یا حتی در فکرشان منفی باشند، بسیار خوشحال و پیروز میشود. در واقع آنها میگویند وقتی رهبران ما طرحی را تصویب میکنند خدا آنها را تأیید نموده است. تمام جهت‌ها، راه‌ها و حتی سخنان آنها در واقع آخر کلام میباشد. پس وقتی که یک آموزه تغییر میکند مورمونها نباید نگران شوند چون آنها فکر همه چیز را کرده‌اند.

همانطور که میبینید رهبران مختلف کلیسای مورمون در موارد مختلف آموزه‌های متفاوتی میدهند و از همه مهمتر این آموزه‌ها با کلام خدا مغایرت دارند. سوال این است که اگر بگفته مورمونها این افراد سخنگویانان یک خدا میباشند چرا باید اینقدر ضد و نقیض تعلیم دهند؟ چرا مثل انبیای عهد عتیق بین آنها اتحاد نیست؟

همانطور که بررسی کردیم کاملاً واضح و مبرهن است که جوزف اسمیت و سایر همکارانش در کلیسای مورمونها همه معلمین، رسولان و خادمین کذب میباشند.

نکته‌ای که باید در آخر اضافه کنیم این است که حتی اگر تمام این رهبران در اتحاد با هم یک آموزه را تعلیم دهند باز هم خادم، نبی و رسولان کاذب میباشند چون خدایی غیر از خدای کتابمقدس را معرفی میکنند (تثنیه ۱۳:۱-۳). آنها حتی عیسی‌ای دیگر و انجیلی دیگر را موعظه میکنند.